

مبلغان و پدیده کم حجابی

یوسف غلامی

ناپوشیده‌ای را می‌توان یافت که با کمترین راهنمایی، بانوان پاک و معتقد می‌گردند.

مهمترین رمز موفقیت مربی در اصلاح رفتار اشخاص، درک موقعیت آن‌ها است. او باید بنگرد که اگر خودش در خانواده یا محیط اجتماعی ناسالم زندگی می‌کرد تا چه میزان می‌توانست خویش را از رفتارهای نامناسب دور بدارد و به اصول اخلاقی پایبند باشد. با خود بیندیشد که به واقع زنان و دختران کم‌حجاب مخاطب وی، تا چه میزان از آموزش‌های لازم درباره رفتارهای صحیح و فواید

در برشماری عوامل کم‌حجابی بانوان در شماره‌های پیش‌نکاتی برشمردیم. در این گفتار به عوامل و انگیزه‌های دیگری اشاره می‌کنیم.

۱. تأثیرپذیری از محیط

این عامل به قدری در طرز رفتار اشخاص تأثیرگذار است که ادعا می‌شود همه رفتارها و معتقدات اشخاص تابع عوامل تربیت (وراثت، محیط خانوادگی، اجتماعی و ...) است. چه افراد غیرمسلمانی که اگر در محیط اسلامی یا خانواده مذهبی پرورش می‌یافتند، مسلمان بودند و برعکس، چه فراوان دختران و زنان

و عادی می‌سازد و رفته رفته اعتقاد جدیدی در وی پدید می‌آورد که بدان خو می‌کند و چه بسا رفتار خود را ناپسند نمی‌شمرد تا بخواهد از آن باز ایستد.

در این موقعیت، مربیان و مبلغان کارآزموده خوب می‌دانند که برای راهنمایی این افراد باید سنجیده‌تر گام برداشت و باید مدت زمانی طولانی آن‌ها را در شرایط بهتر قرار داد تا رفته رفته تأثیر محیط گذشته در آن‌ها خنثی شود و از محیط سالم تأثیر پذیرند.

۲. خودباختگی (کم‌بنداری خویشتن)

از آنجا که خودباختگی فرهنگی، پیش در آمد وابستگی فرهنگی و سیاسی است، سال‌ها است که جامعه‌شناسی صنعتی غرب برای گسترش آن در جوامع شرق کوشش می‌کند. هدف آن است که ارزش‌های معنوی فرهنگ‌ها نزد ملت‌ها بی‌مقدار جلوه کند تا به سادگی خود را وابسته فرهنگی و سیاسی بیگانه بشناسند و از این طریق احساس بزرگی و عظمت کنند.

پاکدامنی بهره‌مند بوده‌اند که به جلوه‌گری خیابانی می‌پردازند!

هیچ‌گاه نمی‌توان بدون در نظر گرفتن موقعیت خانوادگی و اجتماعی افراد، رفتار و اعتقادات ایشان را مورد نکوهش جدی قرار داد. آدمی موجودی است که هر چه را به نفع خود بداند می‌پذیرد و در راه دستیابی به فواید آن، دشواری‌ها را به آسانی تحمل می‌کند و در این راه به اندرز کسی نیازمند نیست.

مهم‌تر این‌که تأثیر پدیده محیط به گونه‌ای است که در زمان طولانی، اعتقادات اشخاص را دستخوش دگرگونی و آلودگی خود می‌سازد و رفتارها را ثبات می‌بخشد، به طوری که پس از ترک آن محیط نیز همچنان تأثیرات زیانبار گذشته باقی است. از این رو هرگاه بانویی به هر علت برای مدتی نتواند یا نخواهد پوشش خود را رعایت کند، پس از تغییر شرایط محیطی‌اش نیز، بازگرداندن وی به شرایط پوشیدگی بسیار دشوار است. زیرا گذشت زمان گناه را نزد وی آسان

عقب افتادگی پیوند دارد، چنان که آنچه آن‌ها (انسان غربی) معتقدند و در پیش گرفته‌اند، با «پیشرفت» رابطه‌ای ناگستنی دارد.

این خودباختگی، به تدریج تبلیغات و برنامه‌های فرهنگی ما را هم در بر گرفت و تاکنون، در فیلم‌ها، زنان با عفت و حجاب بیشتر به صورت خدمتکار خانه یا مدرسه، فالگیر، جادوگر، عناصر ژولیده و بی ادب و بی سواد نمایش داده می‌شوند و بی حجابان، نظیف و مؤدب و با فرهنگ!

سزاوارترین وظایف مبلغان که در زدودن چنین افکار انحرافی، بدان توجه دارند، تبیین این حقیقت است که: آنچه آنان را به پیش می‌برد کنار نهادن اصول اخلاقی و معیارهای دینی مانند حجاب نیست؛ چنان که مانع پیشرفت ما نیز در نظر گرفتن معیارهای دینی مانند حجاب نیست. سلسله‌ای مسایل است که مردمان هر کشوری بدان‌ها بها دهند کشورشان توسعه می‌یابد، هر چند به معیارهای

از آن زمان که غرب اصول اخلاقی و معنوی را دور افکند، ناچار به علم و رفاه و صنعت، بیشتر بها داد، تا بدین وسیله خلأ فرهنگی خویش را جبران کند و مردمان دیگر فرهنگ‌ها را بفریبد و به فرهنگ پوشالی خود جذب کند. از این پس، شرق‌نشینان مجذوب رفاه و علم و صنعت و اختراعات غرب شدند و آنچه خود داشتند همه خُرد پنداشتند و غرب در نگاهشان عظمت و شکوه صد چندان یافت و گمان کردند که آن‌ها با دارا بودن نبوغ و دانش و تخصص، همه چیزشان ستودنی است و آنچه ما داریم سراسر نکوهیده است. در آنجا زنانی یافت می‌شوند که بی‌پوشش مناسب، به مدارج علمی و سیاسی و اقتصادی دست یافته‌اند، و در اینجا بانوانی با بهترین پوشش، در پایین‌ترین مرتبه اجتماعی، علمی و اقتصادی!

با گذشت زمان، این خودباختگی برای انسان شرقی معیاری کلی استخراج کرد که: آنچه او (انسان شرقی) معتقد است و انجام می‌دهد با

به دوش مردها کار می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری بود بدم آمده است.^۲

۳. الگوهای ناپذیرفته

با همه آنچه گفتیم، نمی‌توان از این نکته غفلت ورزید که گاه وجود برخی الگوهای ناپذیرفته سبب گریز دختران و زنان از حجاب می‌گردد. الگوی نامناسب نقش تخریبی دارد و ارزش‌های معنوی را نیز در نگاه افراد تیره و نامناسب جلوه می‌دهد.

مبلغان اندیشمند به گروه مخاطب خود می‌آموزند که: وقتی بانویی پوشش اسلامی به تن می‌کند باید بداند که مسؤلیت‌ش بسی افزون شده است. اخلاق و رفتار ناشایست، دور از شأن زن مسلمان است و بدخلقی، شرارت، حسادت، رقابت ناسالم، تقلیدگری، فزون‌خواهی و تجمل‌دوستی زیبنده بانوی باحجاب نیست. حجاب زن مسلمان زمانی جاذبه‌آفرین است که دیگر دافعه‌ها در وجود او یافت نشود. هرگاه بانویی از میان همه صفات خوب تنها به داشتن پوشش اسلامی بسنده کند هرگز نخواهد توانست

اخلاقی و دینی پایبند نباشند. و آن‌که به آن‌ها بها ندهد عقب می‌ماند، هرچند به اخلاق و دین پایبند باشد؛ از آن نمونه: رعایت بهداشت، نظم اداری و اجتماعی، مدیریت صنعتی و بهره‌جویی از فن‌آوری پیشرفته است. زمانی که مربی اندرزه‌های خود را بدون تحلیل‌های علمی مناسب ارائه کند به نتیجه دلخواه دست نخواهد یافت و نه فقط جوانان که بزرگسالان نیز به اشتباه می‌پندارند «دور افکندن اصول اخلاقی و دینی، مایه رشد و توسعه اجتماعی است و پایبندی به اصول اعتقادی عامل عقب‌گرد و رکود». سال‌ها پیش بی‌خردانی مانند رضا شاه نیز به همین گونه می‌اندیشیدند. وی در نامه به محمود جم - که کشف حجاب در کابینه او انجام گرفت - می‌نویسد: این چادر چاقچورها را چطور می‌شود از بین برد! دو سال است که این موضوع فکر من را به خود مشغول داشته. از وقتی به ترکیه رفتم و زن‌های آن‌ها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش

دیگر زنان را به حجاب و اسلام دعوت کند و به رعایت اصول اخلاقی خوشبین سازد.

نزد خیلی از زنان، حجاب - در حد چسبندگی معمولی - آسان‌ترین علامت مسلمانی شناخته می‌شود؛ در حالی که قرآن چون ویژگی‌های زن مسلمان را برمی‌شمارد، حجاب را در زمره صفاتی دیگر، نشان مسلمانی او می‌داند.^۳

مهم‌ترین وظیفه مبلغ در تحلیل و بررسی این موضوع و تبیین آن برای فراگیران، تفکیک دو مسأله از یکدیگر است. نخست آن که به ایشان تفهیم کند که زن به هر مرحله از رشد دست یابد، زمانی کوشش او در پیشگاه خدا و بندگان پاک، ارزشمند و دارای پاداش است که به حجاب پایبند باشد و با ناپوشیدگی‌اش فساد نیافریده باشد.

از طرفی «تمام دینداری زن، در حجاب خلاصه نمی‌شود.» این پندار که «هر زن بی حجاب، بی دین است و هر فرد باحجاب، دیندار کامل، پنداری

غلط و ویرانگر است.» دشمنان همواره کوشیده‌اند که بین حجاب و دین پیوندی ناگسستنی به وجود آورند تا با دور ساختن زن مسلمان از حجاب، وی را گسسته از دین نشان دهند. با همین دستاویز، تهاجمی بزرگ برای مقابله با حجاب در کشورهای اسلامی آغاز گردید و چون حجاب را از زن مسلمان گرفتند گویی همه دینش را به یغما بردند. از آن پس، زن مسلمان نمازش، روزه‌اش و هر چه نمای دین داشت را از دست داد. حال آنکه در خیلی از کشورها زن مسلمان هم بی حجاب بود و هم دیندار شناخته می‌شد. بنابراین بی‌مبالاتی نسبت به حجاب هرگز نباید به بی‌دینی پایان پذیرد یا به مفهوم آن انگاشته شود.^۴

بی‌نوشت‌ها:

۱. برای شناخت نمونه‌های این ترسیم‌سازی نامناسب، ر.ک: اطلاعات، ش ۱۹۲۳۶.

۲. تاریخ بیست‌ساله، حسین ملکی، ص ۲۶۱.

۳. نساء / ۳۴: ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّغَيْبِ مَا خَفِيَ اللَّهُ﴾؛ احزاب / ۳۵: ﴿وَالْحَافِظَاتُ... وَالذَّاكِرَاتُ...﴾

۴. حرم عفاف، ص ۱۱ و ۱۲، با تصرف.